Quarterly Journal of "Islamic Economics Studies"

Vol. 17 | Issue 1 | Serial 33 | Autumn 2024 | Pages 187-220
Research Paper | Received: 2025/04/25 | Accepted: 2025/05/31
10.30497/ies.2026.250160.2361

Dynamic Evaluation of Social Balance in the Iranian Economy Based on Shahid Sadr's Takaful Framework: A Non-linear Time Series Modeling (1989-2024)

Omid Izanlo: Researcher at the Ghadar Applied Socio-Economic Center, Qom, Iran omidezanlo@gmail.com | 0009-0004-5498-4321

Abstract

In the framework of Islamic economics, achieving social justice necessitates the simultaneous fulfillment of Public Takaful (ensuring a minimum livelihood) and Social Balance (reducing the class gap). This study aims to diagnose the state of justice in the Iranian economy (1989-2024) by designing the Shahid Sadr Social Balance Index (SSBI) based on the theoretical foundations of Iqtisaduna. The factors influencing this index are analyzed using the Non-linear Autoregressive Distributed Lag (NARDL) approach. Descriptive findings indicate that while inequality indicators have seemingly improved in recent years (2022-2024), this shift has been accompanied by a decline in real household welfare-a phenomenon identified as Downward Convergence or the Distribution of Poverty. Model estimation results confirm the asymmetric effect of inflation, demonstrating that inflationary shocks have mathematically improved the balance index by eroding the purchasing power of the middle class (bringing them closer to the lower deciles). Furthermore, the analysis of short-term coefficients reveals that cash subsidy policies (such as the 2010 shock), despite having an immediate positive impact on the index, yielded unsustainable welfare effects due to the inflationary nature of their financing (cost-push inflation). Consequently, the study suggests a paradigm shift from cash subsidies derived from price adjustments toward production-

oriented Takaful and prioritizing inflation control as the fundamental prerequisite for social justice.

Keywords: Social Justice, Shahid Sadr, SSBI Index, Downward Convergence, NARDL Model, Iranian Economy

JEL Classification: C32, D63, E31, P46, I38

مطالعات اقتصاد اسلامی
سال هفدهم | شماره اول | پیاپی ۳۳ | پاییز ۱۴۰۳ | صفحات ۱۸۷-۲۲۰
مقاله پژوهشی | تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۰۵| تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۱۰
مقاله مدت ۳ روز جهت اصلاحات نزد نویسندگان بوده است.

ارزیابی پویای توازن اجتماعی در اقتصاد ایران مبتنی بر الگوی تکافل شهید صدر: مدل‌سازی غیرخطی سری زمانی (۱۳۶۸-۱۴۰۳)

امید ایزانلو: پژوهشگر مرکز کاربردی اقتصادی اجتماعی قدر، قم، ایران
omidezanlo@gmail.com | 0009-0004-5498-4321

چکیده

تحقق عدالت اجتماعی در الگوی اقتصاد اسلامی، مستلزم تأمین هم‌زمان تکافل عمومی (کفایت معیشت) و توازن اجتماعی (رفع نابرابری‌های فاحش و ایجاد تعادل معیشتی) است. پژوهش حاضر با هدف آسیب‌شناسی وضعیت عدالت در اقتصاد ایران (۱۳۶۸-۱۴۰۳)، شاخص توازن اجتماعی شهید صدر بر اساس مبانی نظری کتاب اقتصادنا طراحی کرده و عوامل مؤثر بر آن را با رهیافت خودتوضیح با وقفه‌های گسترده غیرخطی مورد آزمون قرار داده است. یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که بهبود شاخص‌های نابرابری در سال‌های اخیر (۱۴۰۱-۱۴۰۳)، با کاهش رفاه واقعی خانواده همراه بوده که مصداق پدیده همگرایی نزولی یا توزیع فقر است. نتایج برآورد مدل نیز ضمن تأیید اثر نامتقارن تورم، نشان می‌دهد که شوک‌های تورمی با فرسایش قدرت خرید طبقهٔ متوسط، به‌صورت ریاضی منجر به بهبود شاخص توازن شده‌اند. همچنین تحلیل ضرایب کوتاه‌مدت حاکی از آن است که سیاست‌های یارانه نقدی (مانند شوک ۱۳۸۹)، تأثیر آنی مثبتی بر شاخص داشته‌اند؛ اما به دلیل ماهیت تورم‌زای تأمین مالی (فشار هزینه)، تأثیرات رفاهی آن‌ها ناپایدار بوده است. براین‌اساس، تغییر الگوواره (پارادایم) از یارانه نقدی حاصل از تعدیل قیمت به تکافل تولیدمحور و کنترل تورم به‌عنوان پیش‌شرط عدالت، پیشنهاد می‌گردد.

واژگان کلیدی: عدالت اجتماعی، شهید صدر، شاخص توازن اجتماعی شهید صدر، همگرایی نزولی، مدل خودتوضیح با وقفه‌های گسترده غیرخطی، اقتصاد ایران

طبقه‌بندی JEL: C32, D63, E31, P46, I38

مقدمه

تحقق عدالت اجتماعی، دال مرکزی گفتمان اقتصاد اسلامی و یکی از اصول بنیادین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود؛ بااین‌حال، ارزیابی کمی و سنجش میزان موفقیت در دستیابی به این آرمان، همواره با چالش تقلیل‌گرایی مواجه بوده است. در ادبیات متعارف اقتصادی، سیاست‌گذار غالباً کاهش شاخص‌هایی نظیر ضریب جینی را مترادف با تحقق عدالت فرض کرده است، حال‌آنکه در منظومهٔ فکری شهید سید محمدباقر صدر و در چهارچوب کتاب اقتصادنا، عدالت توزیعی مفهومی تک‌بعدی نیست و بر دو پایه اساسی استوار است: نخست تکافل عمومی که ناظر بر تأمین حد کفاف معیشت برای آحاد جامعه است (صدر، ۱۴۲۴ق، ج۲، ص۷۷۴) و دوم توازن اجتماعی که به معنای ایجاد تعادل در سطح زندگی، رفع نابرابری‌های فاحش درآمدی و عدم انحصار ثروت در دست گروهی خاص اشاره دارد (صدر، ۱۴۲۴ق، ج۲، ص۷۸۳). ازاین‌منظر، صرف کاهش عددی فواصل درآمدی بدون تضمین سطح رفاه عمومی، نمی‌تواند مصداق عدالت مطلوب اسلامی باشد.

مسئلهٔ اصلی آن است که اقتصاد ایران در سه دهه اخیر، در معرض تکانه‌های ساختاری متعددی از اجرای سیاست‌های تعدیل تا هدفمندی یارانه‌ها و تشدید تحریم‌ها قرار داشته است. بررسی آمارهای رسمی (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۳) و سری‌های زمانی نشان می‌دهد که در برخی مقاطع تورمی، به‌ویژه در سال‌های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳، شاخص‌های نابرابری روند رو به بهبودی را نشان می‌دهند؛ اما این بهبود با کاهش احساس عمومی رفاه و تنزل قدرت خرید خانوارها همراه بوده است (همسو با یافته‌های پرمه و گرشاسبی، ۱۴۰۱؛ سالم و همکاران، ۱۴۰۱). بروز این پارادوکس، یعنی بهبود هم‌زمان سنجه‌های عدالت و وخامت وضعیت معیشت، نیازمند تبیینی است که فراتر از شاخص‌های نابرابری متعارف عمل کرده و بتواند تمایز ظریف میان توزیع ثروت و توزیع فقر را در اقتصاد ایران آشکار سازد.

دراین‌راستا، پژوهش حاضر استدلال می‌کند که سیاست‌های بازتوزیعی اعمال‌شده در قالب شوک‌های یارانه‌ای (نظیر آنچه در سال ۱۳۸۹ و حذف ارز ترجیحی در ۱۴۰۱ رخ داد)، اگرچه توانسته‌اند رکن توازن اجتماعی یا همان شکاف نسبی هزینه‌ها را به‌صورت مقطعی بهبود بخشند؛ اما به دلیل عدم همراهی با رشد اقتصادی حقیقی و نبود ثبات پولی، در تحقق پایدار رکن تکافل عمومی و حفظ سطح رفاه مطلق ناکام بوده‌اند. شواهد آماری مستخرج از

داده‌های هزینه–درآمد خانوار (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۳) و یافته‌های برآمده از مدل‌سازی پژوهش حاضر حاکی از آن است که بهبود نسبی شاخص‌های توزیعی در سال‌های اخیر (۱۴۰۰–۱۴۰۳)، بیش از آنکه ناشی از توانمندسازی و رشد درآمد واقعی دهک‌های پایین درآمدی باشد، حاصل پدیده‌ای تحت عنوان همگرایی نزولی[1] است؛ وضعیتی که در آن، رفاه حقیقی طبقات متوسط بر اثر تورم فرسایش یافته و به سطح رفاه طبقات فقیر سقوط کرده است. این پژوهش با طراحی شاخص ترکیبی توازن اجتماعی شهید صدر[2] و واکاوی داده‌های سری زمانی در چهارچوب مدل غیرخطی، به دنبال اثبات این گزاره است که کاهش شکاف‌های درآمدی (بهبود ظاهری توزیع) در غیاب رشد رفاه، نه به معنای تحقق عدالت صدری، بلکه به معنای توزیع عادلانه فقر بوده است.

۱. پیشینهٔ پژوهش

ادبیات اقتصادی در حوزهٔ عدالت و توزیع درآمد در ایران، طیف گسترده‌ای از مطالعات نظری و تجربی را در برمی‌گیرد که نشان‌دهندهٔ اهمیت چالش‌برانگیز این موضوع در سیاست‌گذاری‌های کلان است. در بعد مبانی نظری، تلاش‌های ارزشمندی برای بازخوانی و صورت‌بندی اندیشهٔ متفکران اسلامی صورت گرفته است. رجایی (۱۳۹۲) در تبیین مفهوم عدالت اقتصادی، با عبور از شاخص‌های متعارف، عدالت را به‌مثابه توازن و تأمین حد کفاف تعریف کرده و شاخص‌های موجود نابرابری را برای سنجش این مفهوم ناکافی دانسته است. دراین‌راستا، نمازی و لشکری (۱۳۹۱) با واکاوی تطبیقی دیدگاه شهید صدر و شهید مطهری، نشان دادند که در رویکرد صدر، توازن متکی بر دو محور کاهش نابرابری‌های شدید و تأمین معیشت آبرومندانه است که با مبانی حقوق فطری نیز سازگاری دارد. همچنین پژوهش‌های متأخرتری نظیر حسنی قره‌تپه و همکاران (۱۴۰۲) و پیغامی و همکاران (۱۳۹۴)، تلاش کرده‌اند تا نظریه توزیع شهید صدر را در قالب الگوهای صوری نظیر نسل‌های تداخلی و نظریه عاملیت بازسازی کنند تا امکان تحلیل رفتار کارگزاران اقتصادی در این چهارچوب فراهم گردد. عبدی و سلیمانی (۱۴۰۲) نیز با طراحی شاخص توازن مصرف و تأکید بر نقش خمس، گامی در جهت کمّی‌سازی این مفاهیم برداشته‌اند. بااین‌حال، وجه مشترک بیشتر این

1. Downward Convergence
2. Shahid Sadr Social Balance Index (SSBI)

مطالعات، تمرکز بر جنبه‌های انتزاعی یا ارائهٔ شاخص‌های جزئی بوده و کمتر تلاشی برای ساخت یک شاخص ترکیبی جامع که هم‌زمان دو رکن تکافل و توازن را در بستر داده‌های سری زمانی رصد کند، صورت گرفته است.

در حوزهٔ مطالعات تجربی و ارزیابی سیاست‌های بازتوزیعی، به‌ویژه طرح هدفمندی یارانه‌ها (۱۳۸۹) و حذف ارز ترجیحی (۱۴۰۱)، نتایج پژوهشگران حاوی دلالت‌های مهمی دربارهٔ پارادوکس بهبود نابرابری و کاهش رفاه است. شهنازی و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای کلیدی نشان دادند که ضریب جینی پس از شوک هدفمندی یارانه‌ها کاهش یافته، اما رفاه خانوارها به دلیل تورم و کاهش درآمد واقعی، روندی نزولی داشته است. این یافته با نتایج جلالی (۱۳۹۷) همسوست که نشان داد اثربخشی پرداخت‌های نقدی بر کاهش فقر تنها محدود به سال‌های اولیه بوده و با گذر زمان و بروز تورم، این اثر خنثی شده است. مهدویان و اسفندیاری (۱۳۹۷) نیز نوسانات شاخص‌های نابرابری در مناطق روستایی را تأیید کرده و آن را ناشی از عدم موفقیت سیاست‌های جبرانی در بلندمدت دانسته‌اند. همچنین در خصوص شوک‌های ارزی اخیر، سالم و همکاران (۱۴۰۱) و پرمه و گرشاسبی (۱۴۰۱) با شبیه‌سازی تأثیرات حذف ارز ترجیحی پیش‌بینی کردند که این سیاست ممکن است در کوتاه‌مدت از طریق پرداخت یارانه نقدی به بهبود نسبی ضریب جینی منجر شود، اما فشار شدید هزینه‌ای بر سبد معیشت خانوار و افزایش شاخص قیمت‌ها، رفاه عمومی را به‌شدت تهدید می‌کند. توکلی (۱۴۰۲) نیز با نقد مبانی سیاست حذف یارانه پنهان، استدلال می‌کند که آزادسازی قیمتی بدون توجه به ساختارهای معیوب، برخلاف ادعای عدالت، فشار بیشتری بر اقشار ضعیف وارد می‌سازد.

افزون‌براین، درزمینهٔ روش‌شناسی تحلیل نابرابری، استفاده از الگوهای غیرخطی برای تبیین رفتارهای نامتقارن متغیرها موردتوجه قرار گرفته است. ابوالحسنی و همکاران (۱۳۹۸) با استفاده از رهیافت خودتوضیح با وقفه‌های گستردهٔ غیرخطی[1]، تأثیرات نامتقارن تلاطمات نقدینگی بر توزیع درآمد را تأیید کردند. رافعی و صیادی (۱۳۹۷) نیز نشان دادند که مخارج دولت در کوتاه‌مدت و بلندمدت اثرات متفاوتی بر رفاه اجتماعی (شاخص آمارتیا سن) دارد

1. Non-linear Autoregressive Distributed Lag (NARDL)

که ناشی از ناکارآمدی ساختار بودجه است. با وجود غنای ادبیات موجود، حلقهٔ مفقودشده دراین‌میان، تبیین پدیدهٔ هم‌زمانی کاهش فواصل درآمدی و تنزل شدید رفاه عمومی در سال‌های اخیر است که در این پژوهش با عنوان همگرایی نزولی مفهوم‌سازی شده است. پژوهش حاضر با درک این خلأ، تلاش دارد با تلفیق مبانی نظری شهید صدر (طراحی شاخص اختصاصی توازن اجتماعی) و بهره‌گیری از روش‌شناسی پیشرفته اقتصادسنجی (الگوی خودتوضیح با وقفه‌های گسترده غیرخطی)، تبیین دقیق‌تری از پویایی‌های اثرگذاری تورم و شوک‌های سیاستی بر عدالت توزیعی در اقتصاد ایران ارائه دهد.

۲. مبانی نظری

در منظومهٔ فکری شهید سید محمدباقر صدر، اقتصاد اسلامی نه به‌عنوان یک علم توصیفی صرف، بلکه به‌مثابه یک مذهب یا مکتب اقتصادی تعریف می‌شود که وظیفهٔ آن ارائهٔ روشی عادلانه برای تنظیم حیات اقتصادی است. دال مرکزی این مکتب، تحقق عدالت اجتماعی است که هدف غایی آن، فراهم‌سازی بستر مادی برای رشد معنوی انسان و حرکت به‌سوی خداوند است. برخلاف مکاتب مادی (سرمایه‌داری و سوسیالیسم)، عدالت در این الگو بر بستر نوع ویژه‌ای از مالکیت (مالکیت متنوع: خصوصی، عمومی و دولتی) شکل می‌گیرد که در آن، مالکیت خصوصی محترم اما محدود به مصالح عامه است.

شهید صدر با تفکیک فرایند توزیع به دو ساحت پیشینی (توزیع منابع طبیعی) و پسینی (توزیع کالاها)، قائل به‌نوعی تقدم رتبی برای مرحلهٔ اول در تحقق عدالت اجتماعی است (صدر، ۱۴۲۴، ج۲، ص۴۱۱). نقطه عزیمت و اصالت عدالت در این مکتب، در مرحلهٔ نخست نهفته است؛ جایی که اسلام با وضع قوانینی در خصوص مالکیت منابع پایه (انفال)، از انحصار در دست گروهی خاص جلوگیری کرده و دسترسی عادلانه به ابزارهای تولید را تضمین می‌کند (رک. صدر، ۱۴۲۴، بخش نظریهٔ توزیع ما قبل الإنتاج). درواقع، در نگاه ساختارگرای شهید صدر، نابرابری‌های شدید در مرحلهٔ پس از تولید، غالباً معلول ساختارهای معیوب، ویژه‌خواری (رانت)ها و انحصار منابع طبیعی در مرحلهٔ پیش از تولید است (رک. صدر، ۱۴۲۴، مبانی و مقدمات بخش‌های توزیع ما قبل الإنتاج و توزیع ما بعد الإنتاج). بااین‌همه، هرگاه این ساختار اولیه دچار انحراف گردد، دولت اسلامی موظف است در مرحلهٔ دوم (پس

از تولید) و از طریق ابزارهای منطقةالفراغ، به بازتوزیع درآمد و جبران این شکاف بپردازد تا تعادل مختل‌شده را بازگرداند (رک. صدر، ۱۴۲۴، ج۲، صص۷۸۳، ۷۹۹-۸۰۰). پژوهش حاضر، با توجه به نبود داده‌های سری زمانی شفاف از توزیع منابع پایه و ثروت در اقتصاد ایران، تمرکز خود را بر ارزیابی عملکرد دولت در مرحلهٔ دوم (تعدیل پیامدهای پس از تولید در بستر توزیع درآمد) قرار داده است. براین‌اساس، ساختار عدالت توزیعی در مرحلهٔ پس از تولید بر دو رکن اساسی تکافل عمومی و توازن اجتماعی استوار بوده و دولت اسلامی موظف است با بهره‌گیری از اختیارات خود در منطقةالفراغ، این اهداف را در بستر واقعیت‌های متغیر زمانی محقق سازد.

پیش از تبیین ارکان عدالت توزیعی، تأکید بر این نکته ضروری است که در منظومهٔ اقتصادی شهید صدر، برخلاف الگوهای متعارف دولت رفاه (نظیر مدل‌های نوکینزی) که صرفاً بر بازتوزیع منفعلانه و یارانه‌ای درآمدها تمرکز دارند، اقتصاد اسلامی یک سیستم پویای تولیدمحور است. شهید صدر دستگاه توزیع در اسلام را بر دو ابزار اصلی کار و نیاز استوار می‌سازد (صدر، ۱۴۲۴، ج۲، ص۳۸۲). در این مکتب، کار ابزار اصلی و منشأ بنیادین مالکیت خصوصی در ثروت‌های طبیعی است و کارگر به‌واسطهٔ کار خویش، مالک نتیجهٔ عمل خود می‌گردد (صدر، ۱۴۲۴، ج۲، ص۳۸۵). براین‌اساس، رویکردهای حمایتی (تکافل و توازن) هیچ‌گاه جانشین اصالت کار و پویایی تولید نمی‌شوند بلکه هدف اصلی، اتصال آحاد جامعه به زنجیرهٔ تولید از طریق کار است. حمایت‌های مستقیم دولتی (مبتنی بر نیاز) صرفاً به‌عنوان ابزار ثانویه برای ازکارافتادگان یا جبران کاستی‌های بازار کار وارد عمل می‌شود تا توزیع اولیه ناشی از کار را تعدیل نماید. نادیده گرفتن این اصل، الگوی پویای اسلامی را به یک نظام متکی بر پرداخت‌های انتقالی بلاعوض تقلیل می‌دهد. دراین‌راستا، ابعاد توزیعی پس از تولید در این مکتب به شرح زیر است:

الف) تضمین سطح معیشت: اصل ضمان اجتماعی در اندیشهٔ شهید صدر، بیانگر مسئولیت مشترک جامعه و دولت در قبال تأمین نیازهای شهروندان است. شهید صدر این ضمانت را بر دو پایهٔ کاملاً متمایز استوار می‌سازد؛ پایهٔ نخست، همیاری همگانی است که وظیفه‌ای شرعی، برادرانه و مردمی بر عهدهٔ آحاد مسلمانان بوده و محدودهٔ آن، صرفاً رفع نیازهای حیاتی، سخت و اضطراری محرومان است تا هیچ انسانی در جامعهٔ اسلامی بی‌سرپناه و گرسنه نماند (صدر،

۱۴۲۴، ج۲، صص۷۷۳-۷۷۴). پایهٔ دوم، حق جامعه در منابع ثروت است که مسئولیت آن مستقیماً متوجه حاکمیت و دولت اسلامی است. در این مرحله، دولت موظف است با بهره‌گیری از منابع عمومی و درآمدهای دولتی، سطحی فراتر از نیازهای حیاتی صرف را برای افرادی که قادر به کار نیستند یا درآمدشان کفاف نمی‌دهد، تضمین کند. هدف این پایه، رساندن سطح زندگی محرومان به حد کفاف و رفاه متعارف است (صدر، ۱۴۲۴، ج۲، ص۷۷۷). مبنای فقهی این اصل، حق شرعی مردم در منابع ثروت عمومی و مسئولیت حاکمیت در توزیع عادلانه آن است. در پژوهش حاضر، متغیر سهم ۲۰ درصد پایین درآمدی درواقع نماگر ارزیابی موفقیت سیاست‌گذار در تحقق پایهٔ دوم ضمان اجتماعی است؛ تا مشخص گردد آیا حاکمیت توانسته است رفاه متعارف را برای دهک‌های پایین تضمین کند یا خیر.

ب) تحقق توازن اجتماعی: رکن دوم عدالت در اندیشهٔ صدر، توازن اجتماعی است. توازن در این الگو به معنای برابری ریاضی درآمدها نیست بلکه به معنای نزدیک کردن سطوح زندگی اقشار مختلف جامعه به یکدیگر است، به‌گونه‌ای که فواصل فاحش معیشتی و درآمدی از میان برود و ثروت تنها در دست گروهی خاص (اغنیاء) گردش نکند (صدر، ۱۴۲۴، ج۲، ص۷۸۳). نکتهٔ مهم در نظریهٔ صدر آن است که تفاوت در درآمدها و سطح زندگی، تنها در صورتی پذیرفته است که بازتاب‌دهندهٔ تفاوت در استعداد و تلاش افراد باشد، نه ناشی از انحصار منابع یا ساختارهای ناعادلانه. به‌بیان دیگر، هدف توازن آن است که جامعه به سطحی از تعادل برسد که در آن، فقر ریشه‌کن شده و تفاوت‌های سطوح بالاتر، صرفاً ناشی از تفاوت در کمیت و کیفیت کار باشد (صدر، ۱۴۲۴، ج۲، ص۷۸۷). شهید صدر تأکید می‌کند که تولید کالاهای تجملی (لوکس) که تنها پاسخگوی تقاضای غیرضروری دهک‌های بالای درآمدی باشد، درحالی‌که اکثریت جامعه از نیازهای ضروری محروم‌اند، مصداق اتلاف منابع است. لذا دولت اسلامی موظف است با مداخله در فرایند تولید و توزیع، از اسراف و تمرکز ثروت جلوگیری کرده و جریان منابع را به سمت تأمین نیازهای واقعی و ایجاد تعادل در سطح زندگی عمومی هدایت کند (صدر، ۱۴۲۴، ج۲، ص۷۸۹). در تبیین نظریه عدالت توزیعی شهید صدر توجه به ماهیت پویا و نسبی فقر و رفاه حائز اهمیت است. برخلاف رویکردهای ایستا ایشان معتقد است که حد کفاف و رفاه متعارف متناسب با سطح توسعه و رشد مادی جوامع تغییر می‌کند و در یک قالب تاریخی ثابت محصور نمی‌شود (صدر، ۱۴۲۴، ج۲،

ص۷۴۸). کاربست این اصل نظری در تحلیل شواهد تجربی اقتصاد ایران نشان می‌دهد که کاهش شکاف درآمدی تنها زمانی معرف تحقق توازن اجتماعی است که با ارتقای سطح رفاه دهک‌های پایین به سمت استانداردهای نوین تمدنی همراه باشد. چنانچه بهبود ظاهری شاخص‌هایی نظیر ضریب جینی حاصل فرسایش درآمدی طبقات متوسط در پی تکانه‌های تورمی و تنزل جایگاه آن‌ها به دهک‌های پایین‌تر باشد، این پدیده صرفاً نمایانگر همگرایی نزولی و توزیع فقر است و توازن مطلوب را محقق نمی‌سازد. براین‌اساس، تقلیل مفهوم عدالت به شاخص‌های برابری سنج متعارف بدون لحاظ پویایی سطح رفاه عمومی با اهداف نهادی اقتصاد اسلامی در تضاد است.

ج) سازوکار پویای مداخلهٔ دولت: برای عملیاتی‌سازی اصول تکافل و توازن در شرایط متغیر زمانی، شهید صدر «نظریه منطقةالفراغ» را مطرح می‌کند. این نظریه بر این واقعیت استوار است که در شریعت اسلام، حوزه‌ای از فعالیت‌های مباح وجود دارد که حکم الزام‌آوری (وجوب یا حرمت) برای آن‌ها به‌صورت ثابت تعیین نشده است (صدر، ۱۴۲۴، ج۲، ص۸۰۰). این منطقه، محدودهٔ اختیارات قانونی و انعطاف‌پذیری ولی‌امر (دولت اسلامی) است تا بر اساس مصلحت روز و مقتضیات عدالت، احکام حکومتی وضع کند. در چهارچوب منطقةالفراغ، دولت صلاحیت دارد که آزادی‌های فردی در حوزهٔ مباحات را محدود کرده یا الزاماتی را برای فعالیت‌های اقتصادی وضع کند (صدر، ۱۴۲۴، ج۲، ص۷۹۹)؛ برای مثال، دولت می‌تواند برای جلوگیری از اسراف یا تضمین حد کفایت تولید کالاهای ضروری، در بازار مداخله کند و یا با وضع مالیات‌های حکومتی و نظارت بر صنایع مادر، منابع لازم را برای تأمین مالی سیاست‌های حمایتی فراهم آورد. منطقةالفراغ ابزاری فقهی است که به نظام اقتصادی اسلام خاصیت پویایی بخشیده و دولت را قادر می‌سازد تا در هر دوره تاریخی، شکاف میان وضع موجود و عدالت مطلوب اسلامی را پرکند (صدر، ۱۴۲۴، ج۲، ص۸۰۳).

بر اساس این مبانی نظری، در این پژوهش تلاش شده است تا نظریه عدالت شهید صدر در قالب شاخص‌های کمّی عملیاتی شود. بدین‌منظور، متغیر سهم هزینه ۲۰ درصد کم‌هزینه‌ترین جمعیت به‌عنوان نماگر تحقق تکافل عمومی (تأمین کفایت معیشت برای ضعیف‌ترین قشر) و متغیر نسبت هزینه ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین به‌عنوان سنجه‌ای معکوس برای ارزیابی وضعیت توازن اجتماعی (میزان فواصل درآمدی) در

نظر گرفته شده‌اند. ترکیب این دو بعد در شاخص توازن اجتماعی شهید صدر، امکان سنجش هم‌زمان این دو رکن بنیادین را فراهم می‌آورد.

۳. روش‌شناسی

به‌منظور آزمون تجربی فرضیات پژوهش و عملیاتی‌سازی مفاهیم انتزاعی تکافل و توازن در اندیشه شهید صدر، از یک رویکرد کمّی ترکیبی جهت ساخت شاخص توازن اجتماعی صدر استفاده شده است. داده‌های پژوهش شامل سری زمانی سالانه طی دوره زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۳ است که از سالنامه‌های آماری مرکز آمار ایران استخراج گردیده است. دراین‌راستا، متغیر سهم هزینه ۲۰ درصد کم‌هزینه‌ترین جمعیت به‌عنوان نماگر برای سنجش سطح تکافل عمومی و متغیر نسبت هزینه ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین جمعیت به‌عنوان نماگر نبود توازن و وجود نابرابری فاحش انتخاب شدند.

دلیل تمایز در انتخاب دهک‌ها (۱۰ درصد) و پنجک‌ها (۲۰ درصد) برای این دو متغیر، ریشه در ماهیت متفاوت ارکان تکافل و توازن دارد. برای ارزیابی انحراف از هدف توازن اجتماعی، ازآنجاکه هدف اصلی، نشان دادن فواصل فاحش معیشتی و رصد کرانه‌های حدی توزیع ثروت (بالاترین و پایین‌ترین سطوح درآمدی) است، از نسبت دهک‌ها استفاده شده است. دراین‌راستا، استفاده از نسبت هزینه ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین یک شاخص استاندارد در ادبیات توزیع درآمد است که انحصار ثروت را بسیار دقیق‌تر از نسبت‌های ۲۰ درصدی (که اقشار متوسط را نیز در برمی‌گیرد) نشان داده و با دغدغه شهید صدر مبنی بر جلوگیری از شکاف افراطی همخوانی کامل دارد. از سوی دیگر، برای سنجش رکن تکافل، از سهم ۲۰ درصد کم‌هزینه‌ترین جمعیت استفاده شده است. منظور از این متغیر، نسبت مجموع هزینه‌های دو دهک پایین جامعه به کل هزینه‌های ناخالص خانوارهای شهری در هر سال است. ازآنجاکه بر اساس مطالعات فقر در اقتصاد ایران، جمعیت نیازمند حمایت‌های جبرانی معمولاً فراتر از دهک اول بوده و دست‌کم دو دهک پایین (پنجک اول) را در برمی‌گیرد، این متغیر به‌عنوان نماگر جامع‌تری برای ارزیابی تحقق ضمانت معیشت انتخاب گردید. داده‌های این متغیر مستقیماً از نتایج طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوار

مرکز آمار ایران استخراج شده و پس از نرمال‌سازی، در صورت رابطه ۴) برای محاسبهٔ شاخص ترکیبی به کار رفته است.

همچنین به‌منظور کنترل تأثیرات تورمی و تفکیک رفاه اسمی از رفاه حقیقی، داده‌های متوسط هزینهٔ ناخالص سالانهٔ خانوار شهری با استفاده از شاخص قیمت مصرف‌کننده با سال پایه ۱۴۰۰ تعدیل شده و متغیر هزینهٔ واقعی[1] استخراج گردید.

به‌منظور شفاف‌سازی دقیق متغیرهای پژوهش، نحوهٔ محاسبهٔ زیرشاخص تکافل (سهم ۲۰ درصد کم‌هزینه‌ترین جمعیت) بر اساس داده‌های خام آمارگیری هزینه و درآمد خانوار مرکز آمار ایران، مطابق با رابطهٔ زیر تعریف می‌گردد:

$$Takaful_t = \frac{\sum E_{(Q1,t)}}{\sum E_{(Total,t)}} \qquad \text{رابطه ۱)}$$

که در این رابطه، $\sum E_{(Q1,t)}$ نمایانگر مجموع هزینه‌های واقعی بیست درصد پایین جامعه (پنجک اول شامل دهک‌های اول و دوم) در سال t بوده و $\sum E_{(Total,t)}$ نشان‌دهنده کل حجم هزینه‌های انجام‌شده توسط تمامی خانوارها در همان سال است. این متغیر، به‌روشنی بیانگر آن است که از کل حجم حقیقی اقتصاد، چه درصدی به آسیب‌پذیرترین قشر جامعه رسیده است. بر اساس مبانی نظری پژوهش، هرچه این نسبت در یک سال عدد بزرگ‌تری باشد، نشان‌دهنده توفیق بیشتر سیاست‌گذار در تأمین حداقل معیشت و تحقق بهتر تکافل عمومی است.

در مرحلهٔ تصریح مدل، برای هم‌مقیاس‌سازی متغیرها با ماهیت متفاوت و هم‌جهت کردن آن‌ها، از فن (تکنیک) نرمال‌سازی حداقل–حداکثر[2] بهره گرفته شد. با توجه به مبانی نظری پژوهش، زیرشاخص تکافل دارای جهت‌گیری مثبت (هرچه بیشتر، مطلوب‌تر) است؛ لذا با استفاده از رابطهٔ متعارف استانداردسازی گردید:

$$I_{(T,t)} = \frac{Takaful_t - Min(Takaful)}{Max(Takaful) - Min(Takaful)} \qquad \text{رابطه ۲)}$$

در مقابل، ازآنجاکه زیرشاخص توازن یا همان شکاف دهکی دارای جهت‌گیری منفی است (هرچه شکاف کمتر باشد، به عدالت نزدیک‌تر است)، برای نرمال‌سازی آن از رابطهٔ معکوس استفاده شد تا جهت آن با متغیر تکافل همسو گردد:

---

1. Real–Exp

2. Min–Max

$$I_{(B,t)} = \frac{Max(Gap) - Gap_t}{Max(Gap) - Min(Gap)}$$ رابطه ۳)

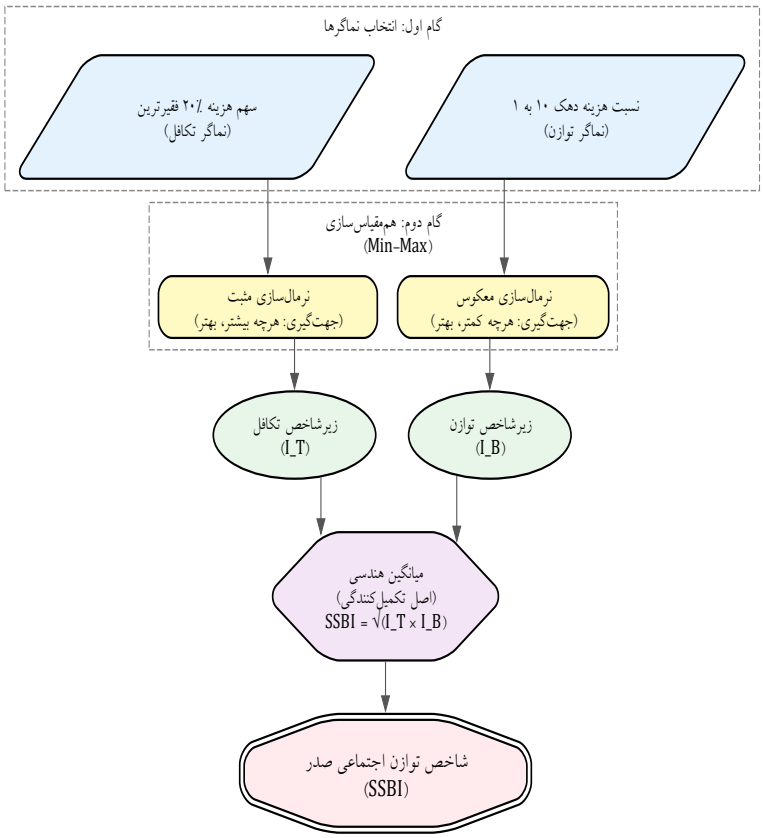
با اعمال این تبدیل ریاضی، مقادیر هر دو زیرشاخص در بازه صفر تا یک قرار گرفته و کاملاً هم‌جهت شدند؛ به‌گونه‌ای که برای هر دو متغیر، نزدیک شدن به عدد یک به معنای مطلوبیت کامل (بالاترین سطح تکافل و کمترین میزان نابرابری درآمدی) است. ازاین‌رو، و با توجه به اصل مکمل بودن این دو رکن در عدالت اسلامی (عدم امکان جبران نقص یکی با فزونی دیگری)، استفاده از میانگین هندسی (حاصل‌ضرب مقادیر نرمال‌شده زیر رادیکال) برای ساخت شاخص ترکیبی نهایی، کاملاً ازنظر ریاضی توجیه‌پذیر و معتبر است.

درنهایت، شاخص ترکیبی توازن اجتماعی شهید صدر به‌صورت میانگین هندسی این دو زیرشاخص تعریف گردید (رابطه ۴)، انتخاب میانگین هندسی، بر مبنای ادبیات استاندارد ساخت شاخص‌های ترکیبی (همانند رویکرد برنامهٔ توسعه ملل متحد در محاسبهٔ شاخص توسعهٔ انسانی از سال ۲۰۱۰ تاکنون) صورت گرفته است. هدف از این انتخاب ریاضی، لحاظ کردن فرض عدم جانشینی کامل است؛ تا بدین‌ترتیب، اصل مکمل بودن تکافل و توازن در عدالت اسلامی رعایت شده و ضعف شدید در یک رکن، با فزونی رکن دیگر قابل جبران نباشد (UNDP, 2010). فرایند محاسباتی در شکل ۱ ترسیم شده است؛

$$SSBI_t = \sqrt{\left(I_{(T,t)} \times I_{(B,t)}\right)}$$ رابطه ۴)

که در آن، مقادیر شاخص در بازه صفر تا یک نوسان داشته و نزدیکی به عدد یک، بیانگر همگرایی اقتصاد به نقطهٔ بهینهٔ توازن اجتماعی–اسلامی است. محاسبهٔ هم‌زمان این شاخص در کنار روند هزینهٔ واقعی خانوار[1]، امکان تحلیل دوگانهٔ عدالت توزیعی و رفاه حقیقی را فراهم می‌آورد.

1. Real–Exp



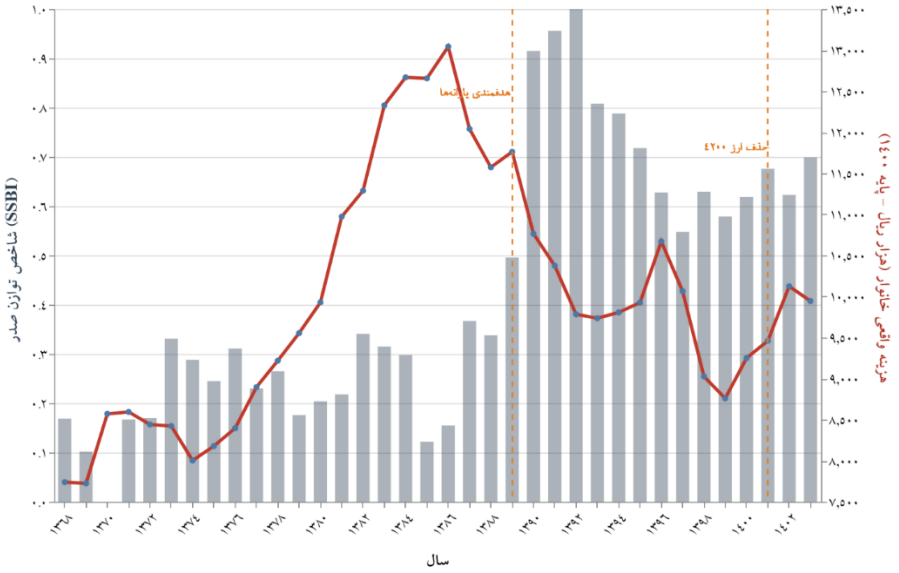
شکل ۱. فرایند ساخت شاخص

به‌منظور اطمینان از اعتبار شاخص پیشنهادی و عدم حساسیت نتایج به روش نرمال‌سازی داده‌ها، شاخص توازن اجتماعی مجدداً با استفاده از رهیافت استانداردسازی نمرات (نمره استاندارد[1]) محاسبه گردید. نتایج تحلیل همبستگی نشان داد که ضریب همبستگی میان شاخص اصلی (مبتنی بر روش حداقل–حداکثر) و شاخص جایگزین (مبتنی بر نمرهٔ استاندارد) برابر با ۰٫۹۷ است. این همبستگی بسیار بالا تأیید می‌کند که روند شناسایی‌شده برای وضعیت عدالت و رفاه در اقتصاد ایران، وابسته به فن (تکنیک) محاسباتی نبوده و از استحکام آماری لازم برخوردار است.

1. Z-Score

٤. یافته‌های توصیفی

واکاوی سری زمانی شاخص ترکیبی توازن اجتماعی صدر در کنار متغیر هزینهٔ واقعی خانوار طی دورهٔ ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۳، (نمودار ۱) نشان‌دهندهٔ اثرپذیری شدید مؤلفه‌های عدالت از شوک‌های ارزی و تغییرات الگوواره (پارادایم) سیاست‌گذاری است. آزمون آماری شکست ساختاری (Bai & Perron, 2003)، سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۹۷ را به‌عنوان نقاط چرخش اصلی در رژیم‌های رفتاری اقتصاد ایران شناسایی کرده است، اما برای تبیین دقیق‌تر سازوکارهای اثرگذاری، تحولات اقتصاد سیاسی ایران در هشت زیردورهٔ متمایز سیاستی قابل‌بررسی است:



نمودار ۱. روند تطبیقی شاخص توازن اجتماعی صدر و هزینهٔ واقعی خانوار با تأکید بر شوک‌های مقطعی سیاستی (۱۳٦۸-۱٤۰۳)

منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران

٤-۱. دوران سازندگی و سیاست‌های تعدیل ساختاری (۱۳٦۸-۱۳۷٤)

آغاز برنامه اول توسعه که تحت سیطرهٔ رویکرد شوک‌درمانی و سیاست‌های تعدیل ساختاری عملیاتی شد، با آزادسازی دفعی نرخ ارز و حذف یارانه‌ها، شوک هزینه‌ای عظیمی را به ساختار نامتوازن اقتصاد تحمیل کرد. داده‌ها نشان می‌دهند که در سال ۱۳۷۰، شاخص توازن

اجتماعی شهید صدر به پایین‌ترین سطح تاریخی خود (نزدیک به صفر) سقوط کرد؛ رخدادی که مؤید دیدگاه پژوهش حاضر است: آزادسازی قیمت‌ها در غیاب حکمرانی صحیح بانکی و تجاری، نه به تخصیص بهینه، بلکه به توزیع نابرابر تورم و دور شدن شدید از توازن اجتماعی منجر می‌شود. اگرچه در سال‌های پایانی این دوره (۱۳۷۳-۱۳۷۴) و با وقوع تورم ۴۹٫۴ درصدی (که ماهیت فشار هزینه و ناشی از جهش ارزی داشت)، هزینهٔ واقعی خانوار کاهش یافت؛ اما بهبود اندک شاخص توازن (۰٫۲۸) را نباید به حساب کارآمدی بازار گذاشت. این بهبود نسبی، عمدتاً ناشی از عقب‌نشینی اجباری سیاست‌گذار از آزادسازی قیمت‌ها و بازگشت به سیاست‌های تثبیت و توزیع کالابرگی (کوپنی) برای مهار بحران اجتماعی بود. درمجموع، تجربهٔ این دوره سندی تاریخی بر ناکارآمدی رویکرد نوکلاسیک است که با اولویت‌بخشی به قیمت‌های نسبی بر ساختارهای نهادی، موجب شد تا هم‌زمان تکافل عمومی تضعیف و توازن اجتماعی قربانی گردد.

٤-۲. دوران تثبیت اقتصادی و بازسازی رفاه (۱۳۷۵-۱۳۸۰)

با فروکش کردن امواج تورمی نیمهٔ اول دههٔ هفتاد و چرخش الگوواره (پارادایم) سیاست‌گذاری از تعدیل ساختاری به سیاست‌های تثبیت اقتصادی در دولت هفتم، اقتصاد ایران وارد دوره‌ای از آرامش نسبی شد. در این بازه شش‌ساله، هزینهٔ واقعی خانوار با بهره‌گیری از فضای باثبات اقتصاد کلان، روندی صعودی را طی کرد و از ۸۱ میلیون ریال در سال ۱۳۷۵ به ۹۹ میلیون ریال در سال ۱۳۸۰ ارتقا یافت. بااین‌همه، تحلیل شاخص توازن اجتماعی شهید صدر نشان‌دهندهٔ نوعی انجماد ساختاری در توزیع درآمد است؛ به‌طوری‌که این شاخص در کانال پایین (میانگین ۰٫۲۱) نوسان محدودی داشت. این واگرایی آشکار میان رشد رفاه و ثبات نابرابری مؤید آن است که سیاست‌های تثبیت در این دوره، صرفاً معطوف به نظارت نوسانات اسمی بود و بدون ظرفیت لازم برای اصلاح مسیرهای انتقال ثروت بود. به‌بیان دیگر، اگرچه رفاه عمومی (تکافل) در سایهٔ دلارهای نفتی و کنترل تورم ترمیم شد، اما به دلیل ناکارآمدی سازوکارهای بازتوزیع و نبود اصلاحات نهادی در سمت عرضه، عدم توازن توزیعی به‌عنوان یک عارضهٔ ساختاری در سطحی بالا تثبیت گردید.

٤-۳. دوران یکسان‌سازی نرخ ارز (۱۳۸۱-۱۳۸٤)

اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱، یکی از معدود مقاطع تاریخی است که با بهبود هم‌زمان متغیرهای رفاه و عدالت همراه است. در این دورهٔ چهارساله، هزینهٔ واقعی خانوار با جهشی قابل‌توجه از ۱۰۹ میلیون ریال به ۱۲۶ میلیون ریال در سال ۱۳۸۴ افزایش یافت. هم‌زمان، شاخص توازن اجتماعی شهید صدر نیز روندی صعودی گرفت و به سطح ۰٫۳ رسید. بااین‌حال، باید توجه داشت که این همگرایی رفاهی صرفاً حاصل انضباط پولی نبود؛ بلکه وفور درآمدهای ارزی و بهره‌گیری از لنگر ارزی به دولت اجازه داد تا ضمن حذف ویژه‌خواری‌های (رانت‌های) نظام چندنرخی (اصلاح ساختاری)، قدرت خرید خانوار را از مسیر واردات کالاهای مصرفی حفظ کند؛ بنابراین، بهبود شاخص توازن اجتماعی شهید صدر در این دوره، حاصل ترکیبی از اصلاح نهادی (یکسان‌سازی) و تزریق منابع نفتی (تکافل برون‌زا) بوده است.

٤-٤. دوران وفور نفتی (۱۳۸٤-۱۳۸۸)

تزریق درآمدهای سرشار نفتی به اقتصاد در این دوره، اگرچه منجر به انبساط سمت تقاضا شد، اما برخلاف نظریه کلاسیک بیماری هلندی که بر صنعت‌زدایی تأکید دارد، داده‌ها نشان‌دهندهٔ رشد بخش صنعت و سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات در سایهٔ ثبات ارزی این دوره است. در سال ۱۳۸۶، هزینهٔ واقعی خانوار به بالاترین سطح خود (بیشینه تاریخی) ۱۳۰ میلیون ریال (به قیمت ثابت ۱۴۰۰) رسید که بازتابی از رفاه مصرفی بالا بود. بااین‌حال، تحلیل شاخص توازن اجتماعی شهید صدر حاکی از یک واگرایی شدید و سقوط شاخص به سطوح بحرانی (۰٫۱۲ و ۰٫۱۵) در سال‌های ۸۵ و ۸۶ است. نتایج آزمون بای-پرون (جدول ۲)، سال ۱۳۸۶ را به‌عنوان نخستین نقطه شکست ساختاری شناسایی کرده است؛ نقطه‌ای که نه به دلیل سرکوب تولید (که رشد مثبت داشت)، بلکه به دلیل انحراف در ساختار توزیعی و ظهور اقتصاد سایه شکل گرفت. در این دوره، ثبات نرخ ارز و واردات گستردهٔ کالاهای سرمایه‌ای (بیش از ۸۵ درصد ترکیب واردات) منجر به نوسازی صنایع و رشد ارزش افزوده صنعتی شد، اما ضعف در حکمرانی تجاری و نبود نظارت بر جریان وجوه، موجب انحراف منابع به سمت فرار سرمایه، قاچاق و سفته‌بازی در بازار دارایی‌های غیرقابل مبادله (نظیر مسکن)

گردید؛ بنابراین، بیماری هلندی در این مقطع نه در قالب تضعیف صنعت، بلکه در قالب رشد نامتوازن بخش مسکن، تشدید نابرابری ثروت و کاهش کیفیت حکمرانی بروز یافت که رفاه میانگین را ارتقا داد، اما توازن اجتماعی را به‌شدت تعمیق کرد.

٤-٥. شوک هدفمندی یارانه‌ها و تحریم‌های اولیه (۱۳۸۹-۱۳۹۲)

اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها در پایان سال ۱۳۸۹، که در چهارچوب رویکرد شوک‌درمانی عملیاتی شد، اگرچه در بدو امر با توزیع یارانه نقدی منجر به جهش شاخص توازن اجتماعی شهید صدر به نقطهٔ اوج ۱ در سال ۱۳۹۲ گردید، اما به دلیل نادیده گرفتن ساختارهای تولیدی، حامل تضادی مخرب بود. بر اساس منطق تحلیلی پژوهش، این سیاست با آزادسازی دفعی قیمت حامل‌های انرژی، یک شوک شدید فشار هزینه را به سمت عرضهٔ اقتصاد تحمیل کرد و موجب دلاریزه شدن ساختار هزینه‌های تولید شد. این تورم ساختاری، به‌سرعت قدرت خرید مبلغ اسمی و ثابت یارانه را خنثی کرد. هم‌زمان، هم‌افزایی این شوک داخلی با تکانه‌های برون‌زا (تشدید تحریم‌های نفتی و جهش ارزی ۹۰-۹۱)، تأثیرات مخرب و جبران‌ناپذیری بر رفاه خانوار برجای گذاشت؛ به‌طوری‌که هزینهٔ واقعی خانوار بلافاصله از سال ۱۳۹۰ وارد فاز نزولی شد و در سال ۹۲ به ۹۷ میلیون ریال سقوط کرد. این وضعیت، مصداق بارز توازن ناپایدار در شرایط رکود تورمی است که در آن، بهبود آماری ضریب جینی نه حاصل خلق ثروت یا توانمندسازی فقرا، بلکه نتیجه بازتوزیع منابعی بود که خود (از طریق سازوکار فشار هزینه) عامل بازتولید فقر و تورم بودند.

٤-٦. دوران برجام و بازگشت به سیاست‌های متعارف (۱۳۹۳-۱۳۹۷)

با تغییر دولت و تلاش برای کنترل تورم و حل مناقشه هسته‌ای، سیاست‌های انبساطی کوتاه‌مدت (یا توزیعی غیرهدفمند) جای خود را به انضباط پولی داد. در این دوره، به دلیل ثابت ماندن مبلغ اسمی یارانه و وجود تورم، اثر رفاهی پرداخت‌های انتقالی به‌تدریج خنثی شد. شاخص توازن اجتماعی شهید صدر روندی نزولی گرفت و از ۱ در سال ۹۲ به ۰٫۵۴ در سال ۹۷ تنزل یافت. هزینهٔ واقعی خانوار نیز نوسانات مثبتی داشت؛ اما هرگز نتوانست به سطح سال‌های میانی دهه ۸۰ بازگردد و حول میانگین ۱۰۰ میلیون ریال تثبیت شد.

٤-٧. بازگشت تحریم‌ها و شوک ارزی دوم (۱۳۹۷-۱٤۰۰)

خروج آمریکا از برجام و جهش نرخ ارز در سال ۱۳۹۷، اقتصاد ایران را وارد فاز جدیدی از نااطمینانی کرد. آزمون‌های آماری این پژوهش، سال ۱۳۹۷ را به‌عنوان دومین نقطهٔ شکست ساختاری تأیید می‌کنند که نشان‌دهندهٔ تغییر ماهوی در رابطهٔ میان تورم و عدالت در این مقطع است. ویژگی بارز این دوره، کاهش شدید و بی‌سابقه رفاه حقیقی است؛ به‌گونه‌ای که هزینهٔ واقعی خانوار در سال ۱۳۹۹ به ۸۷ میلیون ریال کاهش یافت که کمترین رقم طی دو دهه گذشته بود. شاخص توازن اجتماعی شهید صدر نیز در این سال‌ها در محدوده ۰٫۵ تا ۰٫۶ نوسان کرد که نشان‌دهندهٔ تداوم وضعیت نابرابری نسبی در کنار فقر فزاینده بود.

٤-۸. آزادسازی قیمتی و حذف ارز ترجیحی (۱٤۰۱-۱٤۰۳)

حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی و افزایش مبلغ یارانه در سال ۱۴۰۱، آخرین شوک سیاستی موردبررسی است. داده‌ها نشان می‌دهند که متعاقب این سیاست، شاخص توازن اجتماعی شهید صدر مجدداً روندی صعودی گرفته و در سال ۱۴۰۳ به ۰٫۶۹۹ رسیده است که به‌ظاهر حاکی از بهبود عدالت است؛ اما پارادوکس اصلی در مقایسه با متغیر رفاه آشکار می‌شود؛ هزینهٔ واقعی خانوار در سال ۱۴۰۳ (۹۹ میلیون ریال) همچنان در سطحی معادل سال ۱۳۸۰ قرار دارد. این یافته اثبات می‌کند که بهبود شاخص‌های توزیعی در سه سال اخیر، ناشی از همگرایی نزولی طبقات متوسط به سمت پایین است. تورم‌های بالا در کالاهای اساسی و مسکن، قدرت خرید دهک‌های میانی را تضعیف کرده و الگوی مصرف آنان را به دهک‌های پایین نزدیک کرده است. لذا وضعیت فعلی نه به معنای تحقق عدالت صدری (تکافل همراه با توازن)، بلکه به معنای توزیع عادلانه‌تر محدودیت‌های اقتصادی است. خلاصه‌ای از وضعیت شاخص‌های عدالت و رفاه در ادوار مختلف، در جدول ۱) ارائه شده است.

جدول ۱. شاخص‌های منتخب عدالت توزیعی و رفاه خانوار در ادوار تجاری اقتصاد ایران (۱۳۶۸-۱۴۰۳)

دوره زمانی	رژیم سیاستی حاکم	میانگین شاخص توازن	میانگین هزینه واقعی سالانه (هزار ریال - پایه ۱۴۰۰)	میانگین شکاف هزینه‌ای (دهک ۱۰ به ۱)	ارزیابی وضعیت در الگوی صدر
۱۳۶۸-۱۳۷۴	تعدیل ساختاری و آزادسازی	۰/۱۷	۸۰۷,۱۰۰	۱۵/۵	توازن در سطح حداقل (بحرانی)
۱۳۷۵-۱۳۸۰	تثبیت اقتصادی	۰/۲۱	۹۰۲,۱۰۰	۱۴/۵	رشد ملایم بدون تغییر ساختاری
۱۳۸۱-۱۳۸۴	یکسان‌سازی نرخ ارز	۰/۲۹	۱,۱۸۰,۰۰۰	۱۴/۲	همگرایی نسبی رشد و عدالت
۱۳۸۵-۱۳۸۸	وفور نفتی	۰/۲	۱,۲۳۲,۸۰۰	۱۳/۹	رفاه بالا/ عدالت پایین
۱۳۸۹-۱۳۹۲	هدفمندی یارانه‌ها	۰/۸۴	۱,۰۶۷,۱۰۰	۱۰/۵	عدالت بالا/ رفاه نزولی
۱۳۹۳-۱۳۹۷	برجام	۰/۶۸	۹۹۸,۰۰۰	۱۰/۸	فرسایش دستاوردهای توزیعی
۱۳۹۷-۱۴۰۰	شوک ارزی دوم و تحریم	۰/۵۵	۹۱۶,۰۰۰	۱۲/۱	سقوط هم‌زمان رفاه و عدالت
۱۴۰۱-۱۴۰۳	حذف ارز ترجیحی (جراحی)	۰/۶۶	۹۸۴,۳۰۰	۱۱/۴	همگرایی نزولی (توزیع فقر)

منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران

لگاریتم رفاه واقعی کل (LGY)[1] پیش از برآورد مدل اقتصادسنجی، به‌منظور شناسایی دقیق نقاط چرخش و جلوگیری از خطای تورش در برآورد ضرایب، از آزمون شکست ساختاری چندگانه درون‌زای بای-پرون استفاده شد. مزیت این آزمون آن است که نقاط شکست را نه بر اساس مشاهدهٔ چشمی، بلکه به‌صورت روشمند و قاعده‌مند شناسایی می‌کند. نتایج این آزمون (جدول ۲) نشان می‌دهد که آماره F مقیاس‌شده به‌طور متوالی برای صفر در برابر یک شکست (۱۱۳٫۳۷) و یک در برابر دو شکست (۲۵٫۴۲) از مقادیر بحرانی در سطح اطمینان ۹۵ درصد فراتر رفته است؛ بنابراین، نرم‌افزار به‌صورت درون‌زا، سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۹۷ را به‌عنوان نقاط شکست ساختاری قطعی در اقتصاد سیاسی ایران تأیید می‌کند. براین‌اساس، این دو مقطع در قالب متغیرهای مجازی (سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۹۷) در تصریح نهایی مدل خودتوضیح با وقفه‌های گستردهٔ غیرخطی گنجانده شدند.

جدول ۲. نتایج آزمون شکست ساختاری چندگانه بای-پرون

آزمون تعیین متوالی شکست‌ها	آماره F مقیاس‌شده (Scaled F-stat)	مقادیر بحرانی ۵ درصد	نتیجه آزمون	سال‌های شکست برآوردی (Repartition)
صفر در برابر یک شکست	۱۱۳٫۳۷	۱۳٫۹۸	معنادار	۱۳۸۶
یک در برابر دو شکست	۲۵٫۴۲	۱۵٫۷۲	معنادار	۱۳۹۷

منبع: یافته‌های پژوهش (خروجی نرم‌افزار EViews)

پس از واکاوی روندهای توصیفی، در این بخش به‌منظور تبیین کمی عوامل مؤثر بر شاخص توازن اجتماعی صدر و آزمون دقیق فرضیات پژوهش، از رهیافت اقتصادسنجی خودتوضیح با وقفه‌های گسترده غیرخطی بهره گرفته شده است. علت انتخاب این رویکرد، قابلیت آن در تفکیک تأثیرات تکانه‌های مثبت و منفی تورم و هم‌چنین کارایی آن در نمونه‌های آماری محدود و با درجهٔ انباشتگی متفاوت است. از منظر مبانی نظری و اقتصاد سیاسی، انتخاب متغیرهای تورم و سطح رفاه عمومی برای تبیین نوسانات شاخص توازن اجتماعی

1. Logarithm of Real Expenditure

صدر، ریشه در مسیرهای انتقال ثروت دارد. تورم ساختاری در اقتصاد ایران، عملاً به‌مثابه یک مالیات تنازلی و به‌شدت نامتقارن (به ضرر اقشار کم‌درآمد) عمل می‌کند که از طریق سازوکار پولی، ثروت را از دهک‌های پایین (مزدبگیران ثابت) به سمت دهک‌های بالا (صاحبان دارایی‌های فیزیکی) انتقال می‌دهد؛ پدیده‌ای که مستقیماً در تضاد با رکن توازن در اندیشهٔ شهید صدر است. افزون‌براین، منطق استفاده از الگوی نامتقارن برای تورم، استوار بر اثر چرخ‌دنده‌ای و فرضیه چسبندگی در اقتصاد رفاه است. براین‌اساس، تکانه‌های مثبت تورم به‌سرعت قدرت خرید اقشار ضعیف را تخریب کرده و رکن تکافل را به خطر می‌اندازند؛ اما به دلیل چسبندگی قیمت‌ها و دستمزدها، تکانه‌های منفی تورم (کاهش نرخ تورم) لزوماً تقارن نداشته و نمی‌توانند به همان سرعت، رفاه ازدست‌رفته و عدالت مخدوش‌شده را ترمیم نمایند. همچنین، متغیر لگاریتم رفاه واقعی کل[1] به این دلیل وارد الگو شده است که افزایش حجم حقیقی اقتصاد و رشد درآمد سرانه، شرط لازم برای ایجاد ظرفیت مالی و مالیاتی دولت برای مداخله در منطقةالفراغ و اجرای سیاست‌های حمایتی (تکافل) محسوب می‌شود.

در تصریح نهایی مدل، علاوه بر متغیرهای بنیادین اقتصادی، اثرات تغییر رژیم‌های ساختاری (سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۹۷ مستخرج از آزمون بای-پرون) و مداخلهٔ سیاستی هدفمندی یارانه‌ها (۱۳۸۹) نیز کنترل شده‌اند. لازم به ذکر است که در تصریح مدل خودتوضیح با وقفه‌های گستردهٔ غیرخطی، متغیر شاخص ترکیبی توازن اجتماعی شهید صدر نماگر وضعیت توزیع و عدالت بوده و متغیر لگاریتم هزینهٔ واقعی مستقلاً به‌عنوان نماگر حجم مطلق رفاه و اندازهٔ کل اقتصاد (متمایز از متغیر توزیعی سهم دهک‌ها) وارد الگو شده است.

پیش از انجام آزمون‌های اقتصادسنجی، ضروری است متغیرهای واردشده به مدل، به‌صورت دقیق تعریف گردند:

۱. شاخص توازن اجتماعی صدر (SSBI): متغیر وابستهٔ الگو که بین صفر و یک نوسان دارد و نحوهٔ استخراج آن در بخش پیشین به‌تفصیل شرح داده شد؛

۲. لگاریتم رفاه واقعی کل (LGY): این متغیر معادل لگاریتم طبیعی متوسط هزینهٔ ناخالص واقعی کل خانوارهای شهری است. داده‌های اسمی هزینه‌ها با استفاده از شاخص

1. Logarithm of Real Expenditure (LGY)

قیمت مصرف‌کننده (سال پایه ۱۴۰۰=۱۰۰) تعدیل شده‌اند. این متغیر مستقل از داده‌های دهکی، صرفاً بزرگی مطلق حجم حقیقی اقتصاد و سطح عمومی رفاه را نمایندگی می‌کند؛

۳. شوک‌های مثبت[1] و منفی[2] تورم: برای بررسی اثرات نامتقارن، متغیر نرخ تورم به دو سری زمانی جدید شامل مجموع جزئی تکانه‌های مثبت و منفی تفکیک می‌شود. این شوک‌ها بر اساس روابط زیر محاسبه و وارد مدل شده‌اند:

$$INF_t^+ = \sum_{j=1}^{t} \Delta INF_j^+ = \sum_{j=1}^{t} \max(\Delta INF_j, 0)$$

$$INF_t^- = \sum_{i=1}^{t} \Delta INF_j^- = \sum_{i=1}^{t} \min(\Delta INF_j, 0)$$

رابطه ۵)

۵. ملاحظات روش‌شناختی تصریح مدل آماری در چهارچوب مکتب صدر

تبیین کمی و تجربی فرضیات مکتبی اقتصاد اسلامی، همواره با چالش ترجمه مفاهیم کیفی و نهادی به متغیرهای اثبات‌گرایانه (پوزیتیویستی) و کمی مواجه است. دراین‌راستا، تصریح مدل رگرسیونی حاضر (رابطه ۶) بر مبنای دو ملاحظه روش‌شناختی استوار گردیده است تا از تقلیل‌گرایی متعارف مصون بماند:

نخست، زیرشاخص تکافل در ساخت اولیهٔ شاخص توازن اجتماعی صدر (SSBI) به‌صورت سهم نسبی پنجک اول تعریف شده است، اما با توجه به اینکه مفهوم تکافل در منظومهٔ شهید صدر سنجه‌ای مطلق و ناظر بر حد کفاف معیشت است، مدل رگرسیونی پویای پژوهش، این شاخص را در تعامل ساختاری با متغیر لگاریتم هزینهٔ واقعی کل جامعه به‌عنوان نماگر ابعاد مطلق و حقیقی اقتصاد کلان بررسی می‌کند. ازاین‌رو، در صورت بروز رکود ساختاری و انقباض عمومی اقتصاد، افت قدرت خرید مطلق دهک‌های پایین از طریق تغییرات متغیر LGY مستقیماً در پویایی‌های مدل منعکس می‌شود و مانع از بروز خطای آماری در ارزیابی وضعیت تکافل می‌گردد.

---

1. Positive Inflation Shocks (INF^+)
2. Negative Inflation Shocks (INF^-)

دوم، متغیرهای کلان اسمی واردشده به الگوی غیرخطی (نظیر تکانه‌های تورمی نامتقارن و متغیرهای مجازی شوک‌های سیاستی)، صرفاً سنجه‌های پولی مجرد نیستند بلکه بازتاب‌دهندهٔ عینی از کارکرد یا اختلال در مناسبات ساختاری و ابزارهای مکتبی موردنظر شهید صدر به شمار می‌روند. به بیان اقتصادی، پدیده‌هایی چون تورم مزمن و شوک‌های ارزی در اقتصاد ایران، خود معلول انحراف ساختاری در هدایت اعتبارات بانکی، انحصارات، عدم نظارت اسراف در بودجه عمومی و نقض مناسبات مطلوب مالکیت در مرحلهٔ پیش از تولید هستند. همچنین، متغیرهای مجازی، دلالت‌های عینی از تصمیمات سیاست‌گذار در حوزهٔ منطقةالفراغ را نمایندگی می‌کنند؛ بنابراین، مدل اقتصادسنجی حاضر تلاش می‌کند پیامدهای ملموس و کمّی حاصل از اختلال در مناسبات نهادی و مکتبی را بر نظام توزیع و رفاه واقعی تبیین کند.

گام نخست در تحلیل سری‌های زمانی، اطمینان از نبود ریشهٔ واحد و تعیین درجهٔ انباشتگی متغیرهاست. نتایج آزمون دیکی–فولر تعمیم‌یافته[1] نشان می‌دهد که هر سه متغیر اصلی پژوهش شامل شاخص توازن اجتماعی، لگاریتم هزینهٔ واقعی و نرخ تورم در سطح دارای ریشهٔ واحد، و ناماناست. بااین‌حال، پس از یک بار تفاضل‌گیری، تمامی متغیرها در سطح اطمینان ۹۹ درصد مانا شده است؛ بنابراین، تمامی متغیرهای پژوهش انباشته از درجهٔ یک است. اگرچه در این شرایط امکان استفاده از روش‌های هم‌انباشتگی سنتی (مانند یوهانسون–جوسیلیوس[2]) وجود دارد؛ اما با توجه به تعداد محدود مشاهدات و هدف پژوهش مبنی بر بررسی تأثیرات نامتقارن، استفاده از روش خودتوضیح با وقفه‌های گسترده و تصریح غیرخطی آن کارایی و دقت بالاتری دارد.

به‌منظور اطمینان از اینکه رابطهٔ برآوردی میان متغیرها یک رابطهٔ ساختاری بلندمدت است و نه یک رگرسیون کاذب، آزمون کرانه‌ها اجرا گردید (جدول ۳). بر اساس نتایج مندرج در جدول ۳)، مقدار آماره F محاسباتی برابر با ۱۱٫۰۳ برآورد شده است. ازآنجاکه این مقدار به طرز معناداری از کرانهٔ بالای مقادیر بحرانی ارائه‌شده توسط پسران و همکاران (۲۰۰۱) در سطح اطمینان ۹۹ درصد (۵٫۸۱) فراتر است، فرضیهٔ صفر مبنی بر نبود هم‌انباشتگی با قاطعیت

1. Augmented Dickey-Fuller Test (ADF Test)
2. Johansen-Juselius

رد می‌شود. بدین‌ترتیب، وجود یک رابطهٔ تعادلی بلندمدت و پایدار میان شاخص توازن اجتماعی، سطح رفاه خانوار و تکانه‌های تورمی تأیید می‌گردد.

جدول ۳. نتایج آزمون کرانه‌های هم‌انباشتگی برای پایداری رابطهٔ بلندمدت (رهیافت NARDL)

سطح معناداری	کرانهٔ پایین (I (0))	کرانهٔ بالا (I (1))	آماره F محاسباتی	نتیجه
۱ درصد	۴/۲۹	۵/۸۱	۱۱/۰۳	رد فرض صفر (تأیید هم‌انباشتگی و وجود رابطهٔ بلندمدت)
۵ درصد	۳/۲۳	۴/۳۵	۱۱/۰۳	
۱۰ درصد	۲/۷۲	۳/۷۷	۱۱/۰۳	

منبع: یافته‌های پژوهش (خروجی نرم‌افزار EViews13)

پیش از ارائهٔ نتایج برآورد، شکل (فرم) نهایی معادلهٔ مدل، در قالب رویکرد تصحیح خطای نامتقارن به‌صورت رابطهٔ زیر تصریح می‌گردد. در این الگو، شاخص توازن اجتماعی شهید صدر، به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است:

رابطه (۶)

$$\Delta SSBI_t = \alpha_0 + \rho SSBI_{t-1} + \theta^{+} INF^{+}_{t-1} + \theta^{-} INF^{-}_{t-1} + \gamma LGY_{t-1} + \sum_{i=1}^{p-1} \alpha_i \Delta SSBI_{t-i} + \sum_{i=0}^{q-1} (\beta_i^{+} \Delta INF^{+}_{t-i} + \beta_i^{-} \Delta INF^{-}_{t-i}) + \sum_{i=0}^{r-1} \lambda_i \Delta LGY_{t-i} + \delta_1 DU89 + \delta_2 DU97 + \varepsilon_t$$

در این معادله، پارامترهای θ^{+} و θ^{-} نشان‌دهندهٔ تأثیرات بلندمدت تکانه‌های مثبت و منفی تورم بر متغیر وابسته ($SSBI$) هستند. لازم به ذکر است که در این الگو، شوک منفی تورم به معنای کاهش نرخ تورم نسبت به سال قبل است. با واکاوی داده‌های اقتصاد ایران، بارزترین مقاطع شوک منفی (افت نرخ تورم) مربوط به سال ۱۳۷۵ (فروکش کردن تورم پس از شوک ارزی)، سال ۱۳۸۸ و همچنین، در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ است که به‌صورت مقادیر انباشته در این متغیر لحاظ شده‌اند. در ادامه، نتایج برآورد الگو در دو بخش پویایی‌های کوتاه‌مدت و رابطهٔ بلندمدت ارائه می‌گردد.

ابتدا نتایج مربوط به پویایی‌های کوتاه‌مدت الگو و سازوکار تصحیح خطا در جدول ۴) ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد که ضریب جمله تصحیح خطا برابر با ۰/۷۹- برآورد شده

و ازنظر آماری در سطح ۱ درصد معنادار است. منفی و معنادار بودن این ضریب، وجود سازوکار همگرایی را تضمین می‌کند. مقدار عددی ۰/۷۹ بیانگر سرعت تعدیل بسیار بالا در اقتصاد سیاسی ایران است؛ به‌طوری که حدود ۸۰ درصد عدم تعادل در همان سال اول اصلاح می‌شود. افزون‌براین، همان‌طور که در مبانی اقتصادسنجی مرسوم است، ضرایب تفاضلی و متغیرهای مجازی فاقد دلالت‌های ساختاری بلندمدت هستند و صرفاً مسیر تعدیل را نشان می‌دهند. دراین‌راستا، معناداری متغیرهای مجازی[1] در کوتاه‌مدت، صرفاً نقش متغیرهای کنترل را برای جذب تأثیرات آنی شوک‌های سیاستی و جلوگیری از انحراف پسماندها ایفا می‌کنند؛ برای نمونه، علامت مثبت DU۸۹ صرفاً نشان‌دهندهٔ یک جهش مقطعی و گذرا در شاخص توازن بر اثر پرداخت نقدی در همان دوره است که با توجه به سازوکار تصریح خطا، این اثر آنی به‌سرعت در پویایی‌های بلندمدت اقتصاد مستهلک شده است.

جدول ٤. برآورد ضرایب کوتاه‌مدت و تصحیح خطا در الگوی خودتوضیح با وقفه‌های گسترده غیرخطی

متغیر	ضریب برآوردی	آماره t	نتیجه
تفاضل رفاه (ΔLGY)	−۰/۷۱	−۳/۱۲	معنادار
تفاضل رفاه با وقفه $(\Delta LGYt-1)$	۰/۵۵	۲/۳۱	معنادار
تفاضل شاخص توازن $(\Delta SSBIt-1)$	۰/۲۳	۲/۲۱	معنادار
متغیر مجازی سال $(DU۸۹)$	۰/۲۳	۶/۰۶	معنادار
متغیر مجازی سال $(DU۹۷)$	−۰/۴۲	−۷/۳۳	معنادار
ضریب تصحیح خطا $(ECMt-1)$	−۰/۷۹	−۸/۰۴	تأیید همگرایی

منبع: یافته‌های پژوهش

لازم به ذکر است که در این الگو، تعیین تعداد وقفه‌های بهینه[2] برای متغیرها بر اساس معیار اطلاعاتی آکائیک[3] توسط نرم‌افزار ای‌ویوز (EViews 13) صورت پذیرفته است. این نرم‌افزار با تحلیل مدل‌های مختلف، بهترین ترکیب وقفه‌ها را با هدف کمینه‌سازی مقدار AIC (به‌منظور جلوگیری از بیش‌برازش و حفظ درجات آزادی) انتخاب می‌کند. در خروجی

1. DU97 & DU89
2. Lag Length
3. Akaike Information Criterion (AIC)

الگوریتم برای متغیرهای تکانه‌های تورمی، ضرایب تفاضل هم‌زمان ازنظر آماری معنادار نبوده و همچنین، وقفهٔ بهینهٔ صفر تعیین گردیده است؛ بنابراین، متغیرهای تفاضلی مربوط به تورم در جدول ۴) مشاهده نمی‌شوند. این امر به معنای حذف متغیر از مدل نیست بلکه بدین معناست که تورم در اقتصاد ایران فاقد پویایی‌های تفاضلی معنادار در کوتاه‌مدت بوده و اثر آن مستقیماً در رابطهٔ تعادلی بلندمدت (جدول ۵) منعکس می‌شود.

پس از تأیید همگرایی کوتاه‌مدت، نتایج حاصل از برآورد ضرایب ساختاری بلندمدت در الگوی خودتوضیح با وقفه‌های گستردهٔ غیرخطی در جدول ۵) گزارش شده است که حاوی یافته‌های تجربی مهمی است و سازوکار اثرگذاری متغیرهای کلان بر عدالت توزیعی در ایران را شفاف می‌سازد:

نخستین و مهم‌ترین یافتهٔ این پژوهش، تأیید آماری اثر نامتقارن تورم بر عدالت اجتماعی است. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، ضریب تکانه‌های مثبت تورم برابر با ۱٫۱۵ و ازنظر آماری کاملاً معنادار است، درحالی‌که ضریب تکانه‌های منفی تورم فاقد معناداری آماری است. آزمون والد نیز برابری این دو ضریب را رد می‌کند. این عدم تقارن حاکی از وجود پدیدهٔ اثر چرخ‌دنده‌ای در اقتصاد سیاسی ایران است؛ بدین معنا که ساختارهای توزیعی در برابر شوک‌های تورمی به‌شدت آسیب‌پذیر و شکننده هستند، اما در فازهای کاهش تورم، چسبندگی بالایی داشته و به‌سادگی به وضعیت مطلوب بازنمی‌گردند.

دومین‌یافته که مؤید فرضیهٔ همگرایی نزولی است، در علامت مثبت ضریب شوک‌های تورمی نهفته است. تورم نقش یک توزیع‌کننده فقر را ایفا کرده و با فرسایش شدید قدرت خرید دهک‌های میانی، باعث کاهش ریاضی (و نه واقعی) فاصلهٔ درآمدی شده است؛ اما این پدیده نباید با توازن اجتماعی (موردنظر شهید صدر) اشتباه گرفته شود. درواقع، تورم یک توزیع‌کنندهٔ فقر است که با کاهش قدرت خرید و انقباض سبد مصرفی، عملاً مانع از تحقق عدالت توزیعی و توازن اجتماعی می‌شود. از سوی دیگر، عدم معناداری آماری ضریب رفاه کل و شوک منفی تورم در این الگو، به‌هیچ‌وجه نشان‌دهندهٔ ضعف تصریح نیست بلکه حیاتی‌ترین یافته ساختاری پژوهش است. بی‌معنی بودن ضریب رفاه حقیقی کل، به لحاظ نظری ثابت می‌کند که در اقتصاد سیاسی ایران، صرف افزایش حجم حقیقی اقتصاد (رشد درآمد ملی)، فاقد خاصیت بازتوزیعی مؤثر است. این امر نشان می‌دهد که به دلیل غلبهٔ

ساختارهای انحصاری، هدایت نامتوازن اعتبارات بانکی و نبود سازوکارهای سرریز ثروت[1]، رشد اقتصادی نتوانسته است به‌طور درون‌زا عدالت توزیعی مدنظر شهید صدر (تکافل تولیدمحور) را محقق سازد (تأیید پدیدهٔ رشد نامتوازن).

همچنین، برای تبیین دقیق‌تر بی‌معنی شدن ضریب شوک منفی تورم در کنار معنادار بودن شوک مثبت آن، باید به سازوکار اثر چرخ‌دنده‌ای[2] و پدیدهٔ پسماند[3] در ساختار توزیع ثروت اشاره کرد. این عدم تقارن نشان می‌دهد که در زمان بروز تکانه‌های تورمی مثبت، ثروت به‌سرعت از طریق سازوکار مالیات پنهان تورمی، از دهک‌های پایین (مزدبگیران با درآمد ثابت) به دهک‌های بالا (صاحبان دارایی‌های فیزیکی) منتقل شده و عدالت توزیعی تخریب می‌گردد؛ اما در دوره‌های کاهش نرخ تورم (شوک منفی)، به دلیل چسبندگی رو به پایین قیمت کالاها و خدمات، و همچنین عدم بازگشت دارایی‌های انتقال‌یافته به دهک‌های پایین، ساختار توزیعی به وضعیت پیش از شوک بازنمی‌گردد. درواقع، کاهش نرخ تورم صرفاً به معنای کند شدن سرعت تخریب است، نه ترمیم قدرت خرید ازدست‌رفته. این سازوکار به‌روشنی انجماد نابرابری و چسبندگی فقر را در اقتصاد ایران تبیین می‌کند. ضریب منفی متغیر مجازی سال ۱۳۹۷ نیز نشان می‌دهد که شوک ساختاری ناشی از بازگشت تحریم‌ها، سطح توازن اجتماعی را در بلندمدت دچار یک شکست نزولی و پایدار کرده است.

جدول ۵. برآورد ضرایب رابطهٔ بلندمدت در الگوی خودتوضیح با وقفه‌های گستردهٔ غیرخطی

متغیر توضیحی	ضریب برآوردی	خطای معیار	آماره t	سطح احتمال	نتیجه
شوک مثبت تورم	۱/۱۵	۰/۳۱	۳/۶۹	۰	معنادار
شوک منفی تورم	۰/۳۶	۰/۲۴	۱/۴۹	۰/۱۴۷	بی‌معنی
لگاریتم رفاه	−۰/۱۵	۰/۱۶	−۰/۹۴	۰/۳۵۶	بی‌معنی
عدد ثابت	۱/۳۷	۱/۴۶	۰/۹۴	۰/۳۵۵	بی‌معنی

منبع: یافته‌های پژوهش

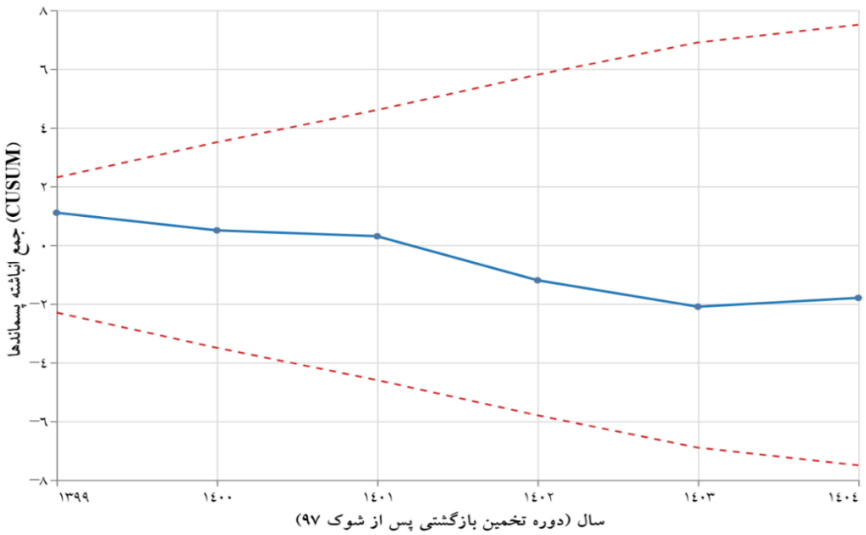
1. Trickle-down effect
2. Ratchet Effect
3. Hysteresis

درپایان، برای اطمینان از صحت فروض کلاسیک رگرسیون، آزمون‌های تشخیصی انجام شد (جدول ۶). نتایج حاکی از نبود خودهمبستگی سریالی (بر اساس آزمون بروش-گادفری[1])، تصریح صحیح شکل (فرم) تبعی (آزمون رمزی[2]) و نرمال بودن توزیع پسماندهاست.

جدول ٦. نتایج آزمون‌های تشخیصی

نوع آزمون	آماره آزمون	مقدار احتمال	نتیجه
عدم خودهمبستگی (LM Test)	$\chi 2 = ۰/۰۳$	۰/۹۸۵	تأیید عدم خودهمبستگی
تصریح شکل (فرم) تابع (Ramsey RESET)	$F = ۳/۶۴$	۰/۰۶۹	تأیید شکل (فرم) صحیح مدل
نرمال بودن پسماندها (Jarque-Bera)	$JB = ۱/۵۸$	۰/۴۵۲	تأیید توزیع نرمال

منبع: یافته‌های پژوهش



نمودار ۲. نمودار ثبات ساختاری

منبع: یافته‌های پژوهش

1. Breusch-Godfrey
2. Ramsey RESET

افزون‌براین، قرارگیری نمودار آزمون مجموع تجمعی پسماندها[1] (نمودار ۲) در داخل کرانه‌های اطمینان ۵ درصد، ثبات ساختاری ضرایب برآوردشده را در طول دوره موردبررسی تأیید می‌کند.

بحث، نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

پژوهش حاضر با هدف آسیب‌شناسی وضعیت عدالت اجتماعی در اقتصاد ایران طی سه دهۀ اخیر (۱۳۶۸–۱۴۰۳) و با ابداع شاخص توازن اجتماعی صدر بر اساس مبانی فقهی کتاب اقتصادنا انجام پذیرفت. یافته‌های توصیفی و استنباطی پژوهش، نتایجی هشداردهنده را آشکار می‌سازد که می‌توان آن را در قالب پارادوکس عدالت در رکود صورت‌بندی کرد.

یافته‌ها نشان داد که اقتصاد ایران در تحقق دو رکن عدالت صدری یعنی تکافل (کفایت معیشت) و توازن اجتماعی، روندی واگرا را طی کرده است. درحالی‌که در دوران وفور نفتی (نیمۀ دهۀ ۸۰)، رفاه عمومی تأمین شده؛ اما توازن نادیده گرفته شده است. در سال‌های اخیر (۱۴۰۱–۱۴۰۳)، شاهد بهبود ظاهری شاخص‌های توازن هستیم، درحالی‌که رفاه عمومی به سطح دو دهۀ قبل (سال ۱۳۸۰) تنزل یافته است.

مدل‌سازی اقتصادسنجی الگوی خودتوضیح با وقفه‌های گسترده غیرخطی، اثبات کرد که کاهش فواصل توزیعی (نزدیک شدن دهک‌ها به یکدیگر) در سال‌های پایانی، نه حاصل سیاست‌های توانمندسازی، بلکه ناشی از پدیدۀ همگرایی نزولی بوده است. ضریب مثبت و معنادار شوک‌های تورمی در مدل نشان داد که تورم با فقیرتر کردن طبقۀ متوسط و تنزل جایگاه آنان به سمت طبقات محروم، منجر به کاهش صوری شکاف شده است. این وضعیت از منظر اندیشۀ شهید صدر که تکافل را مقدمۀ واجب توازن می‌داند، به‌هیچ‌وجه مصداق تحقق عدالت توزیعی ارزیابی نمی‌شود؛ به‌عبارت دیگر، آنچه در سال‌های اخیر رخ داده، حرکت به سمت توزیع فقر بوده است، نه تحقق توازن و عدالت فراگیر که در آن، رشد رفاه و کاهش نابرابری هم‌افزا باشند.

در اینجا توجه به یک ظرافت روش‌شناختی و سیاست‌گذارانه در تحلیل نتایج مدل NARDL و رفتار شاخص SSBI ضروری است؛ مثبت شدن ضریب شوک‌های تورمی و تأثیر

---

1. CUSUM

ریاضی آن بر بهبود شاخص توازن، نباید به‌عنوان یک دستاورد توزیعی تفسیر گردد. این پدیده، درواقع آشکارسازی یک خطای تحلیلی و فریبندگی داده‌های توزیعی در اقتصاد سیاسی ایران است. ازآنجاکه شوک‌های تورمی بزرگ (نظیر سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۴۰۱) با سیاست‌های جبرانی و تزریق یارانه‌های نقدی همگانی همراه بوده‌اند، داده‌های خام هزینه–درآمد خانوار به‌صورت مقطعی، کاهش فاصلهٔ اسمی دهک‌ها را ثبت کرده‌اند (بهبود ریاضی نماگرهای نسبی). هنر مدل‌سازی حاضر آن است که با قرار دادن این شاخص نسبی در کنار متغیر رفاه مطلق (LGY)، اثبات می‌کند که این بهبود ریاضی، ناشی از توانمندسازی دهک‌های پایین نبوده بلکه حاصل همگرایی دهک‌های میانی به سمت خط فقر بر اثر شوک پولی است. ازاین‌رو، مدل حاضر با هشدار به سیاست‌گذار، اثبات می‌کند که هرگونه استناد به بهبود شاخص‌های توزیعی (کاهش شکاف) در شرایط تورم ساختاری، فاقد وجاهت مکتبی بوده و یک خطای راهبردی در ارزیابی تحقق عدالت محسوب می‌شود.

همچنین شناسایی نقاط شکست ساختاری در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۹۷ نشان داد که سیاست‌های اجراشده در اقتصاد ایران در برابر شوک‌های بیرونی، ظرفیت نهادی لازم برای صیانت از دستاوردهای توزیعی و حفظ توازن را ندارد و سیاست‌های جبرانی موقت (مانند یارانهٔ نقدی از محل گران‌سازی) تنها توانسته‌اند وقفه‌هایی کوتاه در روند زوال رفاه ایجاد کنند. پژوهش حاضر تلاش نموده است تا با بهره‌گیری از روش‌های اقتصادسنجی و طراحی شاخص ترکیبی، تصویری دقیق از وضعیت عدالت توزیعی ارائه دهد؛ اما نتایج آن باید با در نظر گرفتن دو محدودیت عمده تفسیر شود.

نخست، محدودیت‌های ذاتی داده‌های آماری است که خود ابعاد مختلفی دارد: از یک‌سو، داده‌های هزینه و درآمد خانوار که مبنای محاسبهٔ شاخص‌ها قرار گرفته‌اند، مبتنی بر خوداظهاری هستند و احتمال کم‌گویی دهک‌های ثروتمند می‌تواند منجر به تخمین پایین‌تر از عدم توازن و نابرابری شود. از سوی دیگر، در سنجش مفاهیم مطلق مکتب صدر با چالش مواجهیم؛ تکافل عمومی یک سنجهٔ مطلق و پویای معیشتی برای دسترسی به حد کفاف است. ایدئال‌ترین روش اقتصادسنجی برای سنجش این رکن، استفاده از متغیرهای مطلق–پویا، نظیر محاسبهٔ ارزش ریالی سبد بودجهٔ مرجع پویای عرفی در هر سال است؛ اما نبود داده‌های خرد و سری زمانی پیوسته و استاندارد از چنین سبدی در بازه زمانی ۳۵ساله در کشور، مانع از

محاسبهٔ مستقیم آن گردید و پژوهش حاضر را ناگزیر به استفاده از سهم نسبی دهک‌ها کرد (هرچند به‌منظور جلوگیری از خطای راهبردی ثبت توزیع فقر به‌عنوان بهبود عدالت در شرایط انقباض کل اقتصاد، متغیر حجم مطلق رفاه حقیقی (LGY) به مدل رگرسیونی تزریق شد تا در کنار شاخص نسبی، عملکرد حاکمیت را تعدیل و پایش کند). همچنین نبود سری زمانی منسجم و شفاف از توزیع ثروت، مالکیت زمین و نحوهٔ تخصیص رانت منابع پایه (انفال)، باعث شد تا این پژوهش نتواند ریشه‌های ساختاری و پیش از تولید نابرابری را مستقیماً مدل‌سازی کند و به‌ناچار صرفاً بر متغیر مخارج واقعی و توزیع درآمد پس از تولید (که پیامد ثانویه همان نابرابری‌های ساختاری است) تمرکز کرد؛ ازاین‌رو، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران در مطالعات آتی، در صورت دسترسی به داده‌های خرد بودجه خانوار، شاخص توازن صدر را با رویکرد سبد مرجع مطلق بازآفرینی کنند.

دوم، محدودیت‌های ذاتی در کمّی‌سازی مفاهیم چندبعدی کیفی: باید توجه داشت که شاخص توازن اجتماعی شهید صدر نیز همانند سایر نماگرهای جهانی (نظیر ضریب جینی یا شاخص توسعهٔ انسانی سازمان ملل)، یک تقریب مدل‌سازی‌شده و نماگر آماری از واقعیت پیچیدهٔ اقتصاد است. هیچ شاخص ترکیبی در علوم انسانی نمی‌تواند تمامی ابعاد پیدا و پنهان رفاه و عدالت را در تمامی شرایط به‌طور کامل منعکس سازد؛ اما شاخص طراحی‌شده در این پژوهش توانسته است هستهٔ مرکزی اندیشهٔ شهید صدر (لزوم تقاطع و همراهی تکافل و توازن) را با استفاده از داده‌های مستند اقتصاد ایران فرموله کند؛ ازاین‌رو، تحلیل روندهای این شاخص، نه به‌عنوان تنها قرائت ممکن از واقعیت، بلکه به‌عنوان یک مدل پیشرو و کارآمد برای رصد روند و پویایی جنبش عدالت توزیعی در اقتصاد سیاسی ایران تلقی می‌گردد.

بر اساس یافته‌های تجربی مستخرج از الگوی رگرسیونی و با تکیه بر مفهوم منطقةالفراغ در اقتصاد اسلامی، توصیه‌های سیاستی زیر ارائه می‌گردد:

۱. تغییر الگوواره (پارادایم) از یارانهٔ نقدی حاصل از تعدیل قیمت‌ها به تکافل تولیدمحور با ابزار منطقةالفراغ در الگوی برآوردی، بی‌معنی شدن ضریب رفاه کل (LGY) در بلندمدت نشان داد که رشد اقتصادی به‌تنهایی (بدون هدایت نهادی) فاقد خاصیت بازتوزیعی است و استهلاک سریع ضریب مثبت متغیر هدفمندی یارانه‌ها (DU89) در پویایی‌های تصحیح خطا نیز اثبات کرد که تزریق نقدینگی جبرانی، اثری ناپایدار دارد. بر مبنای این دو یافتهٔ تجربی، دولت باید

حمایت‌های خود را از تأمین مالی تورم‌زا، به سمت تکافل توان‌افزا و اتصال دهک‌های پایین به زنجیرهٔ ارزش تولید تغییر دهد؛ تحقق این مهم مستلزم آن است که دولت با بهره‌گیری از اختیارات حاکمیتی خود در منطقةالفراغ، از طریق تنظیم‌گری نهادی و هدایت هدفمند اعتبارات بانکی (به‌جای رهاسازی بازار)، جریان سرمایه را به نفع مشارکت اقتصادی محرومان در چرخهٔ تولید هدایت نماید تا رشد اقتصادی با توزیع عادلانه همگام شود؛

۲. تثبیت اقتصاد کلان و کنترل تورم به‌عنوان اولویت عدالت توزیعی: با توجه به تأیید آماری اثر نامتقارن تورم در مدل و بزرگی ضریب شوک‌های مثبت تورمی (INF^{+}) با مقدار (۱/۱۵)، به لحاظ تجربی ثابت گردید که تورم، مخرب‌ترین موتور بازتولید نابرابری حقیقی و فرسایش قدرت خرید است. خروجی مدل نشان می‌دهد که در غیاب ثبات پولی، هیچ‌گونه سیاست حمایتی یا یارانه‌ای قادر به جبران تخریب ساختاری ناشی از تورم نیست. لذا مهار تورم نه یک سیاست صرفاً پولی، بلکه پیش‌شرط قطعی اجرای الگوی عدالت صدری محسوب می‌شود؛

۳. جایگزینی شاخص‌های ترکیبی رفاه‌محور به‌جای سنجه‌های نسبی: ازآنجاکه مدل اقتصادسنجی حاضر به‌وضوح نشان داد بهبود ریاضی شاخص‌های مبتنی بر سهم دهک‌ها در دوره‌های تورمی، صرفاً بازتابی از همگرایی نزولی و توزیع فقر است، سازمان برنامه‌وبودجه باید از تمرکز گمراه‌کننده بر ضریب جینی اسمی دست برداشته و شاخص‌های ترکیبی (نظیر SSBI که در تعامل با متغیر LGY تحلیل می‌شود یا شاخص رفاه تعدیل‌شده با نابرابری) را مبنای ارزیابی عملکرد برنامه‌های پیشرفت قرار دهد تا از خطای راهبردی بهبود نابرابری به قیمت فقر عمومی جلوگیری شود.

کتابنامه

ابوالحسنی، اصغر؛ متقی، سمیرا و ابراهیمی، صلاح (۱۳۹۸). بررسی اثرات غیرخطی تلاطمات نقدینگی بر نابرابری توزیع درآمد در ایران: رویکرد NARDL. *راهبرد اقتصادی*، ۸ (۲۹)، ۶۱-۷۹.

پرمه، زورار و گرشاسبی، علیرضا (۱۴۰۱). بررسی آثار سیاست حذف ارز ترجیحی بر شاخص قیمت‌ها و هزینه زندگی خانوارها در سال ۱۴۰۱. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۳۰ (۱۲۰)، ۱۷۱-۱۹۶.

پیغامی، عادل؛ سرآبادانی تفرشی، حسین و ایزدبخش، حمید (۱۳۹۴). بازخوانی نظریه شهید صدر در الگوی فقهی توزیع درآمد میان عوامل تولید بر اساس نظریه عاملیت. *معرفت اقتصاد اسلامی*، ۶ (۱۲)، ۵-۲۲.

توکلی، محمدجواد (۱۴۰۲). ارزیابی عدالت اقتصادی در سیاست حذف یارانه پنهان حامل‌های انرژی از منظر اقتصاد اسلامی. *معرفت اقتصاد اسلامی*، ۱۵ (۲۹)، ۹۸-۱۲۰.

جلالی، محسن (۱۳۹۷). ارزیابی اثربخشی سیاست هدفمندی یارانه‌ها بر فقر. *روند*، ۲۵ (۸۱ و ۸۲)، ۱۵-۴۱.

حسنی قره‌تپه، مجتبی؛ مجاهدی مؤخر، محمدمهدی؛ نوراحمدی، محمدجواد؛ سیدنورانی، سید محمدرضا و خورسندی، مرتضی (۱۴۰۲). واکاوی تطبیقی-انتقادی نظریه توزیع شهید صدر و اندیشمندان اقتصاد کلاسیک و نوکلاسیک؛ رهیافتی ریاضی در چارچوب الگوی نسل‌های تداخلی. *جستارهای اقتصادی*، ۲۰ (۴۰)، ۱۹۲-۲۲۲.

رافعی، میثم و صیادی، محمد (۱۳۹۷). سیاست مالی دولت و رفاه اجتماعی در ایران با تأکید بر شاخص آمارتیاسن (رهیافت آزمون ARDL کرانه‌ها). *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ۸ (۳۲)، ۱۵۱-۱۶۸.

رجایی، سید محمدکاظم (۱۳۹۲). مفهوم و شاخص عدالت اقتصادی. *معرفت اقتصاد اسلامی*، ۵ (۹)، ۸۰-۱۰۵.

سالم، علی‌اصغر؛ عزیزخانی، معصومه و عرب یارمحمدی، جواد (۱۴۰۱). اثر حذف نرخ ارز ترجیحی کالاهای اساسی خوراکی بر توزیع درآمد در مناطق شهری ایران بر اساس شبیه‌سازی داده‌های خرد با استفاده از مدل EASI. *تحقیقات اقتصادی*، ۵۷ (۱)، ۱۲۵-۱۵۶.

شهنازی، روح‌الله؛ شهسوار، محمدرضا و مبشری، محمدحسین (۱۳۹۳). توزیع درآمد و وضعیت رفاه خانوارها قبل و بعد از هدفمندی یارانه‌ها. *رفاه اجتماعی*، ۱۴ (۵۴)، ۱۶۷-۱۹۹.

صدر، سید محمدباقر (۱۴۲۴ ق). اقتصادنا. قم: مرکز الأبحاث والدراسات التخصصية للشهيد الصدر.

عبدی، محمدمهدی و سلیمانی، محمد (۱۴۰۲). طراحی شاخص اسلامی توازن مصرف به‌عنوان بدیل شاخص‌های متعارف نابرابری و بررسی اثر خمس بر توازن (با تأکید بر نظر شهید صدر). *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۱۵ (۳۰)، ۵۵۹-۵۹۶.

مرکز آمار ایران (۱۴۰۳). داده‌های هزینه–درآمد خانوار (سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۳). تهران: درگاه ملی آمار. بازیابی‌شده از: www.amar.org.ir

مهدویان، سید محمدرضا و اسفندیاری، مرضیه (۱۳۹۷). بررسی وضعیت توزیع درآمد در مناطق روستایی ایران. *راهبرد توسعه*، (۵۳)، ۷۹–۱۰۰.

نمازی، حسین و لشکری، علیرضا (۱۳۹۱). توازن و رویکردهای عدالت؛ کنکاشی در رویکرد شهید صدر و شهید مطهری به توازن. *معرفت اقتصاد اسلامی*، ۳ (۶)، ۹۷–۱۲۲.

Bai, J. & Perron, P. (2003). Computation and analysis of multiple structural change models. *Journal of Applied Econometrics,* 18(1), 1-22.

Pesaran, M. H.; Shin, Y. & Smith, R. J. (2001). Bounds testing approaches to the analysis of level relationships. *Journal of Applied Econometrics,* 16(3), 289-326.

United Nations Development Programme (2010). *Human development report 2010: The real wealth of nations: Pathways to human development*. Palgrave Macmillan.

References [In Persian]

Abdi, M. & Soleimani, M. (2023). Designing the Islamic index of consumption balance as an alternative to conventional inequality indices and investigating the effect of Khums on balance (Emphasizing Shahid Sadr's view). *Islamic Economics Studies,* 15(30), 559-596. [In Persian]

Abolhasani, A., Motaghi, S. & Ebrahimi, S. (2019). Investigating the nonlinear effects of liquidity shocks on income distribution inequality in Iran: NARDL approach. *Economic Strategy,* 8(29), 61-79. [In Persian]

Bai, J. & Perron, P. (2003). Computation and analysis of multiple structural change models. *Journal of Applied Econometrics,* 18(1), 1-22.

Hassani Gharehtapeh, M., Mojahedi Moakhar, M. M., Nourahmadi, M. J., Seyednourani, S. M. & Khorsandi, M. (2023). A comparative-critical analysis of Shahid Sadr's distribution theory and classical and neoclassical economics thinkers; A mathematical approach within the framework of the overlapping generations model. *Economic Research (Jostarhay-e Eghtesadi),* 20(40), 192-222. [In Persian]

Jalali, M. (2018). Evaluating the effectiveness of the targeted subsidies policy on poverty. *Ravand, 25*(81-82), 15-41. [In Persian]

Mahdavian, S. M. & Esfandiari, M. (2018). Investigating the status of income distribution in rural areas of Iran. *Development Strategy*, (53), 79-100. [In Persian]

Namazi, H. & Lashkari, A. (2012). Balance and approaches to justice; An exploration of Shahid Sadr and Shahid Motahari's approach to balance. *Islamic Economics Knowledge*, 3(6), 97-122. [In Persian]

Parmeh, Z. & Garshasbi, A. (2022). Investigating the effects of the policy of eliminating the preferential exchange rate on the price index and the cost of living of households in 1401. *Agricultural Economics and Development,* 30(120), 171-196. [In Persian]

Peighami, A., Sarabadani Tafreshi, H. & Izadbakhsh, H. (2015). Rereading Shahid Sadr's theory in the jurisprudential model of income distribution among factors of production based on agency theory. *Islamic Economics Knowledge*, 6(12), 5-22. [In Persian]

Pesaran, M. H., Shin, Y. & Smith, R. J. (2001). Bounds testing approaches to the analysis of level relationships. *Journal of Applied Econometrics,* 16(3), 289-326.

Rafei, M. & Sayadi, M. (2018). Government fiscal policy and social welfare in Iran emphasizing Amartya Sen's index (ARDL bounds testing approach). *Economic Growth and Development Research,* 8(32), 151-168. [In Persian]

Rajaei, S. M. (2013). The concept and index of economic justice. *Islamic Economics Knowledge,* 5(9), 80-105. [In Persian]

Sadr, S. M. (2003). *Iqtisaduna* [Our Economics]. Qom: Center for Specialized Research and Studies of Shahid Sadr. [In Arabic]

Salem, A., Azizkhani, M. & Arab Yarmahmoudi, J. (2022). The effect of eliminating the preferential exchange rate of essential food items on income distribution in urban areas of Iran based on microdata simulation using the EASI model. *Economic Research (Tahghighat-e Eghtesadi),* 57(1), 125-156. [In Persian]

Shahnazi, R., Shahsavar, M. & Mobasheri, M. H. (2014). Income distribution and household welfare status before and after targeted subsidies. *Social Welfare,* 14(54), 167-199. [In Persian]

Statistical Center of Iran (2024). *Household income-expenditure data (1989-2023)*. Tehran: National Statistics Portal. Retrieved from www.amar.org.ir [In Persian]

Tavakoli, M. J. (2023). Assessing economic justice in the policy of eliminating hidden energy carrier subsidies from the perspective of Islamic economics. *Islamic Economics Knowledge,* 15(29), 98-120. [In Persian]

United Nations Development Programme (2010). *Human development report 2010: The real wealth of nations: Pathways to human development*. Palgrave Macmillan.